

از موج‌سواری روی قایق تشریفات تا ستایش افطاری‌های گذشته



روزی روزگاری که نه خیلی دور بود و نه خیلی قدیمی، افطاری‌های ماه رمضان فرصتی بود برای دورهم نشینی‌هایی با طعم صمیمیت و بی‌ریایی!

ماراتن بی‌رحم چشم و هم‌چشمی در سفره‌های رستورانی از موج‌سواری روی قایق تشریفات تا ستایش افطاری‌های گذشته روزی روزگاری که نه خیلی دور بود و نه خیلی قدیمی، افطاری‌های ماه رمضان فرصتی بود برای دورهم نشینی‌هایی با طعم صمیمیت و بی‌ریایی!

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، صحبت از چند دهه پیش نیست. نیازی هم نیست 50 ساله باشی تا خاطره خوش آن روزها را بیاد آوری. همین 10 سال پیش را هم که به یاد داشته باشی کفایت می‌کند. انگار هر چه بوده زیر سر همین چند سال اخیر است. همین سال‌هایی که ماراتن بی‌رحم چشم و هم‌چشمی و تشریفات بی‌خود و بی‌جهت سر از سفره‌های افطاری ما در آورد و از آن رمضان‌ها تنها نوستالژی کم رنگی به جا گذاشت.

هر قدر هم که همیشه غر بزنی و از کم کاری برنامه‌ریزان فرهنگی و مشاورین اجتماعی و این چیزها گله کنیم، این بار حداقل در این یک مورد قطعاً مقصر خودمان بوده‌ایم و باید خود را ملامت کنیم که بر سر ضیافت‌های افطارمان چه آوردیم.

وعده‌های رستورانی و افطاری‌های پشت میزی!

هنوز چند روزی به ماه رمضان مانده که نگاهی به تقویم جیبی‌اش می‌اندازد و می‌گوید: تا الان 16 روز را برای افطار دعوتیم. این را می‌گوید و به آدرس رستوران‌هایی که جلوی هر تاریخ یادداشت کرده اشاره می‌کند. رستوران‌هایی که قرار است جای سفره‌های پهن شده در اتاق خانه‌ها را بگیرد. که گرفته است حتی.

خانم علیزاده کارمند است و گرفتار، این طور که پیداست زیاد هم از این تاریخ‌ها و آدرس‌ها دلخور نیست. وقتی می‌پرسم دلش برای آن افطاری‌های اصیل قدیمی تنگ نشده، می‌گوید: #171&؛ خب بالاخره امروز همه چیز تغییر کرده و دیگر مردم فرصت مهمانی‌های هر شبانه را ندارند.

یکبار همه را یک جا دعوت می‌کنند و خیالشان راحت می‌شود. در ضمن خانه‌ها هم آنقدر کوچک و آپارتمانی شده که جا برای سفره پهن کردن و این حرف‌ها نیست. »

این کمبود فضا و خانه‌های آپارتمانی بیشتر بهانه به نظر می‌رسد انگار. همه ما کلی دوست و آشنا با خانه‌های بزرگتر از 10 سال پیش‌شان می‌شناسیم که از پایان رمضان هر سال به دنبال رزرو رستوران برای رمضان سال آینده می‌گردند.

خانم زارع خانه‌دار است و تمام این مهمانی‌های امروزی را تنها راهی برای رفع تکلیف می‌داند. زارع هم دل خوشی از این رسم و رسوم باب شده ندارد ولی آنطور می‌گوید: "مجبور" است مانند بقیه هر سال از چند روز قبل تر از رمضان دنبال رزرو رستوران باشد.

وی برای اینکه عمق تب فراگیر این افطاری‌های خیابانی را تشریح کند، می‌گوید: چند روز قبل یکی از اقوام ما فوت می‌کند ولی خانواده‌اش نتوانستند حتی یک رستوران برای شام مراسم ختم او پیدا کنند. همه جا از قبل برای مراسم‌های افطاری رزرو شده بود.

خودمان را ملامت کنیم و بیاد بیاوریم که همیشه راحت‌ترین راه‌ها، بهترین راه‌ها نیستند. فکر کنیم به اینکه این ماه آمده تا عادت‌ها و زندگی روتین‌مان را پس بزند نه این که برایمان به عادت‌های دیگر تبدیل شود.

ما نگاهی به گذشته که می‌کنیم با کنکاشی در خاطره‌ها یادمان می‌آید آن سفره‌هایی که در اتاق‌های کوچک خانه پهن می‌شد و چطور کباب می‌نشستیم تا جا برای همه باشد ولی دلمان برای نسل کودکان امروز باید بسوزد که طفلک‌ها خاطره‌های شیرین این چنین نخواهند داشت.

#171&؛ مثل تشریفات »

تا بوده و بوده فرهنگ اصیل آذربایجان و مردم این دیار مهمان نواز بوده‌اند. مهمان که سر می‌رسید بهترین چیزهایی که در خانه

داشتند را روی سفره می‌چیدند. ولی امروز آن مهمان نوازی‌های سابق با تشریفات و سفره چیدن‌هایی گره خورده که انگار مسابقه‌ای است برای نمایش رنگ و لعاب‌هایی بهتر از دیگری.

شاید برای همین چیزهاست که این سال‌ها با نزدیک شدن ماه رمضان همه را غصه می‌گیرد که با این شرایط اقتصادی حالا چکار کنیم و این حرف‌ها... آن سال‌ها اگر رمضان ماه مهمانی خدا بود و همه تشنه جاری شدن در معبود، این روزها فرصتی شده برای عرض اندام سفره‌های رنگین و چشم و هم چشمی‌های بی‌اساس.

نمی‌شود این همه تشریفات و غذاهای اضافی را حذف کرد و رسید به همان افطارهای سال‌ها قبل، به همان افطارهای کم رونق تر و باصفا تر؟ نمی‌شود که به آشنا زدایی مبارک ماه رمضان اندیشید و هم‌رنگ جماعت نشد. گناه از خودمان است. از چشم و هم چشمی‌های نابجای مان، از تعاریف غلطمان و از نگرانی‌های بی‌ریشه‌مان.

پای این صحبت‌ها که می‌رسد همه از تشریفات زیاد ناله می‌کنند و خسته‌اند از این بریز و بپاش‌ها ولی پای عمل که می‌رسد زودتر از همه به هراس می‌افتیم که حالا چه کارها که نباید کنیم!

فاطمه صدیقی، استاد پژوهشگری علوم اجتماعی معتقد است: متأسفانه در جامعه ما حالتی بوجود آمده که مردم بدون تحقیق و بررسی با موج‌ها همراه می‌شوند.

صدیقی ادامه می‌دهد: اپیدمی افطاری‌های سال‌های اخیر که هر سال پر رنگ‌تر از قبل به آن پرداخته می‌شود شاید در ظاهر امر مطلوبی به نظر برسد ولی در لایه‌های زیرین براحتی بنیان‌های گسسته روابط فامیلی و دوستانه را، بیش از پیش از هم می‌درد.

وی می‌گوید: شما تصور کنید کودکانی را که دیگر قرار نیست خاطره مهمانی‌های خانه عمه و عمو و خاله را بیاد داشته باشند و وقتی هیچ کنش قابل توجهی بین این کودک با نزدیکانش اتفاق نمی‌افتد، در آینده هم نمی‌توان انتظار پیوند و رابطه‌های دوستانه را از آنها انتظار داشت.

این استاد علوم اجتماعی همچنین به بار روانی و خستگی ناشی از مهمانی‌های سختگیرانه اشاره کرده و تصریح می‌کند: شیرازه دورهمی و ارتباطات فامیلی برای القای حس خوب و آرامش روانی حاصل از این دیدارها بنا شده است. ولی وقتی فرد مدام استرس چگونگی برگزاری مراسم را دارد، تمام این‌ها جنبه منفی به خود می‌گیرد و ناخودآگاه این استرس به افراد دیگر هم منتقل می‌شود.

صله ارحام یا رفع تکلیف؟

به آیات قرآنی و احادیث که سری بزیم رمضان را ماه مهمانی خداوند خوانده‌اند و خداوند هم از بنده‌های خود خواسته تا جایی که وسع‌شان می‌رسد مومنان نیازمند را پای سفره‌های افطار خود بنشانند و رسم علی(ع) را بر پا کنند.

ولی با خودمان که رو راست باشیم این روزها کمتر نیازمندی سیر می‌شود و همه در چرخشی مدور اطرافیان خود را دعوت می‌کنیم و هم سفره می‌شویم با آنهایی که در تمام ماه‌های سال سفره‌های پر رونق‌شان پهن است. حالا که دیگر به اینجا رسیده و این فرهنگ متداول شده، نمی‌شود حداقل این مهمانی دادن‌های طایفه‌ای را به یک مهمانی و صله ارحامی واقعی تبدیل کرد و نه دعوتی برای رفع تکلیف؟

بیائیم یک بار هم که شده گناه از زندگی آپارتمانی و جا نداشتن و کوچک شدن خانه‌ها و خستگی صاحبخانه و هزار اما و اگر دیگر بگیریم و از خودمان بپرسیم چرا در سال‌های گذشته مجبور شده‌ایم افطار را دور میزهای به هم چسبیده رستوران‌های ریز و درشت بخوریم.

بین هزار خانواده غریبه معذب بشویم و اصلاً در آن هیاهو مزه‌ای هم حس نکنیم. تمام حرف‌ها و التماس دعا‌های مان هم بکشد به دم در رستوران‌هایی که در بیشتر وقت‌ها پارکینگ هم ندارند و از ترس سد معبر ماشینمان دستی تکان بدهیم که یعنی خدا حافظ... بعد هم انتظاری افطاری دیگر و رستورانی دیگر...

اصلاً بیایید از طرفی دیگر هم به قضیه نگاه کنیم. مثلاً تصور کنید با کم کردن هزینه‌های سفره‌های افطاری و ساده برگزار کردن مهمانی‌ها، می‌توان با همین هزینه‌های اضافی برای روستاهای زلزله‌زده ارسباران که سال گذشته در همین روزها فرو ریختند چه تعداد زیادی کتاب خرید و کتابخانه‌هایی هر چند کوچک دایر کرد.

با هم صادق باشیم. همه ما خسته‌ایم از این کم‌دی رفت و آمدهای اجباری به خانه‌های یکدیگر. چرا که آنقدر در قید و بند بریز و بپاش‌های خود ساخته‌امان شده‌ایم که فراموش کرده‌ایم چطور می‌توان از کنار هم نشستن و هم‌صحبتی با یکدیگر لذت برد و گذشت ساعت‌ها را حس نکرد.

بزرگان دین از صله ارحامی می‌گویند که به سلامت و طول عمر و بخشش گناه منجر می‌شود ولی آیا واقعا مهمانی‌های رستورانی‌مان روح صله ارحام را در لحظه‌های دم افطارمان جاری می‌کنند؟

.....

نگارنده: سحر فکردار